

زنان تاریخی

کورنلی

ترجمه از انگلیسی

کورنلی (۱) مادر گراکوس‌ها (۲) یکی از زنان بزرگ و نامی دنیاست. اوضاع مساعد ولادت و زندگانی و امتیازات اخلاقی او صفحه‌ای از تاریخ را بوی اختصاص و زینت داده است. با وجودیکه از زمان حیات او پیش از دو هزار سال میگذرد نام مخلدش چنان تازه و بر جسته مانده که گمان میرود با الیزابت (۳) و ماری (۴) هم عهد و معاصر (۵) بوده است. پدر نامداریش سیپون (۶) کبیر معروف بسیپون آفریقائی است که بواسطه غلبه

[۱] Cornélie .

[۲] Gracchus : نام دو نفر از وکلاء خطباء روم غربی در ضمن مقاله بیشتر معروف خواننده خواهند گردید .

[۳] Elisabeth : ملکه معروف انگلستان دختر هانری هشتم [۹۴۰-۱۰۱۲ هـ] .

[۴] Marie : ملکه انگلستان قبل از خواهر خود الیزابت [۹۲۲-۹۶۶ هـ] .

[۵] در لسان عرب مطابقت صفت و موصوف، مبتدا و خبر، ضمیر و مرجع در تأنیت و تذکیر در مواقع معینی ضروری است، ولی این الزام هیچ‌جوجه در زبان فارسی نیست، لذا رعایت قانون مزبور در موقعیکه کلمات عرب را استعمال میکنیم صورتی ندارد، زیرا زبان فارسی فقط احتیاج بلغات دارد و بقدر لزوم از آن بجز زخار رفع حاجت می‌نماید، و در این امر مستلزم اتخاذ قوانین نحوی عرب نیست. پس در اینصورت در جمله فوق چون مسند الیه زن است معاصر را معاصره نوشتن یا مثلاً اگر موصوف ما زنی منشی یا ناظم یا تاجر باشد صفات او را منشیه یا ناظمه یا تاجره گفتن لطفی ندارد، زیرا علاوه بر تقلت و سنگینی اعمال آن از قبیل لزوم ما لا یلزم است، جز اینکه این تعنت را مانند علماء بدیع دریغاً هم حسنی! شماریم. با وجود این در بعضی کلمات که بواسطه کثرت استعمال بسامعه آشنا شده، مثل ملکه در اسامی و علیه در القاب این ایراد واقع نیست و اصرار از اینطرف هم خود تکلفی است. این موضوع برای نویسندگان نسوان که مخصوصاً دچار این اشکال میشوند بیشتر قابل توجه است زیرا کار آنها را آسان میکند و احياناً از وقوع اشتباه هم جلوگیری مینماید زیرا مثلاً بواسطه افراط در این امر، دیگر اینجانب بملط اینجانبه نمیشود.

[۶] Scipion .

بر آنیبال (۷) در جنگ دویم پونیک (۸) در تاریخ قدیم مشهور است حقیقتاً چنین خلفی باشکال میتواند چیزی بر نیکنامی اسلاف خود بیافزاید، چه برای مزید شهرتیکه به آن پایه رسیده فرزندی لازم است که فضائل و کردار پسندیده او سر آمد اعمال و خصال حمیده نیاکان باشد، با وجود این کورنلی به این افتخار نایل گردید زیرا اشتهار پدرش بواسطه وجود او بحد کمال رسید. کورنلی بازدواج شخصی در آمد که اگرچه خود بمقامات بزرگ دولتی رسیده بود ولی باز عزت و شرافت مخصوصی از زوجه خویش کسب نمود.

این شخص از خانواده بزرگی بود که افراد آن همه معروف و مشهور بوده و جدشرا سیسرون (۹) اشهر خطبای و بلغای روم بدانش و تقوی ستوده است. خلاصه او لیاقت همسری با کورنلی را داشت و در تحصیل نام نیک با زوجه خویش شانه بشانه میگذاشت هنگام مرگ شوهر دوازده فرزند برای کورنلی باقیمانده بود درین موقع یکی از بطالسه یعنی سلاطین مصر طالب همسری وی گردید ولی او از قبول اینخواهش تن زد و عمر خود را وقف تربیت اطفال و سرپستی خانه خویش نمود، و در همین آشیانه عشق، محبت مادری و عظمت فکر خود را بخوبی ظاهر ساخت.

اوقانیکه کورنلی پیوه بود، جز دو پسر که یکی تیبریوس (۱۰) و دیگری کابوس (۱۱) نام داشت و یک دختر، تمام فرزندان مردند.

پلوتارک (۱۲) مورخ یونانی روم مینویسد « کورنلی در تربیت فرزندان خود طوری دقت و مواظبت نمود، که اگرچه آنها

[۷] Annibal (۲۴۷-۱۸۲ ق م) . [۸] Punique [۹] Cicéron . [۱۰] Tiberius . [۱۱] Caïns . [۱۲] Plutarque (۱۴۸-۱۲۵ ق م) .

بدون حرف صاحب خانواده نجیب و دارای همان غرائز عالیّه جوانان رومی بودند، ولی بجرأت میتوان گفت که تعلیم و تربیت پیش از غریزه و طبیعت در تکمیل و تکامل آنها دخالت نموده است. همان طور که مسلم است، تعلیم و تربیت در هیچ استعداد و قریحه بی اثر نیست، همچنین محقق است که هیچکس باندازه مادر در این قانون طبیعی نفوذ و تأثیر ندارد بیان پلوتارک هم مؤید همین مدعاست، و از مضمون آن بخوبی استنباط میشود که دانشمند یونانی تا چه پایه بتأثیر تربیت ایمان داشته است.

کورنلی با وجود نمکن بسیار ساده و بی آرایش زندگانی میکرد. وقتی جماعتی از نسوان در محفلی گرد آمده بنشان دادن جواهر خود مباحثات مینمودند از کورنلی خواهش کردند که او هم جواهر خویش را ارائه دهد، کورنلی دو فرزندش را نشان داده گفت «اینها گوهرهای کرانبها و تمام افتخارات من هستند».

کورنلی خطبه‌های فلسفی بسیار انشاد نموده و شاگردان متعدد داشته که از پر تو تعلیمات او بهره وافر برده اند.

سیسرون میگوید «اگر کورنلی زن نبود در میان فلاسفه اولین مقام را احراز میکرد».

کورنلی مانند غالب نسوان نامی روم دارای روح شجاعت و رفعتطلبی عهد خود بوده، و بفرزندانش مطالبی القاء نموده که آنها را برای مبارزه حیات و کشمکش زندگانی دلیر و متهور وی پروا ساخته است. عاقبت این امر مقرون بسلامت نبود، زیرا اگرچه پسران وی در روم حائز عالیترین مقامات اخلاقی و اجتماعی و سیاسی گردیده، و در رفاه حال و سعادت ملت خود خصوصاً ضعفا

و طبقه متوسط مساعی جمیله و جهد بلیغ نموده اند (۱۳) بطوریکه نام نیک آنها هنوز زبان زد عموم است، ولی رتبه و مقام آنها طوری در معرض انقلابات بود که بالاخره امواج خروشان عقاید و افکار ناکهان اطراف آنها را فرا گرفت، و جزر و مد این دریای هولناک قسمی غفلتاً آنها را در آغوش کشید، که ناخواستند برای نجات خود دست و پائی بزنند، آب از سر آنها گذشت و جامعه رومی از فقدان دو عضو فعال ناقص و عزادار گشت. اجمال تفصیل کشته شدن دو پسر کورنلی بدینقرار است:

«روزی که مردم در کایتول برای دفعه دوم مشغول انتخاب تیبریوس بودند بوی خبر رسید که اعیان قصد قتل او را دارند، او برای اینکه این مطلب را بفهماند در ضمن نطق اشاره بسر خود کرد یعنی دشمنان میخواهند سر مرا بیاد دهند. سناتورها گفتند تیبریوس میگوید ناج برسر من گذارید، یکی از اعیان بر خواسته به کنسول تکلیف قتل ویرا نموده کنسول گفت بی محاکمه کسی را نمیکشم، آنشخص فریاد کرد حالا که کنسول بمملکت خیانت! میکند هر کس مسئول حفظ قانون است، خود جلو افتاد و مردم او را تعاقب کردند، تیبریوس در ضمن فرار لغزیده بزمین افتاد و یکی از سناتورها چوبی بسر او زده هلاکش نمود (۱۳۳ ق م) کایوس هم وقتیکه با سه هزار نفر از طرفداران خود مورد حمله اعیان واقع شد به پیشه فرار کرده، بفلام خود امر داد تا بیکر وی را از جامعه حیات عاری نمود (۱۲۱ ق م)»

کورنلی پس از مرگ پسرانش باز با شهامت و عزت نفس روزگار میگذرانید در باره محل قتل پسران خود میگوید «قبوریکه

[۱۳] اشاره بقانون اراضی (Loi agraire) است که تیبریوس واضع این بوده و قوانین متعددی که کایوس بجانبداری طبقات دوم و سوم وضع نموده است.

نیافت در آغوش کشیدن آنها را داشت همین اراضی مقدس بود .
 خانمه زندگانی و پایه قدر و مقامش را بوسیله بیانات پلوتارک
 میتوان بخوبی بدست آورد. نویسنده مزبور عاقبت او را با روایت
 ذیل با آنها میرساند: کورنلی مسکن خود را بقریه انتقال داد. در آنجا
 زندگانی یکنواخت و بی‌تغییر را پایان میرسانید. رفقا و دوستان
 فراوان داشت و همیشه سفره‌اش برای پذیرائی آنها گسترده بود.
 یونانیها و سایر دانشمندان دائماً در محضر او حضور داشتند و
 سلاطین متحده روم برای احترام و اکرام وی تحف و هدایا تقدیم
 مینمودند کورنلی هم در مقابل از شرایط کرامت و ملاطفت چیزی
 فروگذار نمیکرد. امر قابل تعجب اینکه اعمال پسران و مصائب
 وارده بر آنان را بدون اظهار تألم شرح میداد و چنان با متانت
 از آنها سخن میراند، که گویا سرگذشت پهلوانان قدیم روم را
 برای مستمعین نقل میکند، لذا عده تصور کرده اند که طول
 عمر و عظمت مصائب او را از حلیه فهم و احساس عاری ساخته
 است، ولی این اشخاص بیشتر لازم بود بمعرفت خویش بردازند،
 زیرا فهم آنها از درک این مطلب قاصر بود که يك فكر سليم كه
 تعلیم و تربیت كامل و آزاده یافته است در مقابل شدائد و مصائب
 تا چه حد استقامت بخرج میدهد، و اگرچه احياناً دولت و اقبال
 و كثرت نعمت و جلال ممكن است ارکان تقوی و خویشتن داری را
 متزلزل كند، ولی تقوی و فضیلت در تحمل بلايا و محن مركز
 خاصه و امتیاز خود را فاقد نمیشود و پایمال اینگونه عوارض
 نمیگردد.

تمام زندگانی کورنلی يك نوع مزایای اخلاقی و امتیازات
 شگفت آوری را بما معرفی میکند، و رویهمرفته از حقایق تاریخی

میتوان نتایج ذیل را استخراج نمود:

۱- پدر فرزانه کورنلی پایه تربیت وی را بر شالوده محکمی گذاشته، و تعلیمات او اصول مضبوطی داشته است. زیرا بطریق دیگر نمیتوان سبب برای معلومات دانش و آشنائیش نسبت بادیات پیدا کرد، همچنین تقوی و فضیلت او که حتی در اوان جوانی با نجیب‌ترین مردان روم برابری میکرده، جز در اثر همین تربیت نبوده است.

۲- کورنلی از بدو شباب دارای رأی معین و متین، و در اصول زندگانی صاحب عقیده ثابت و شجاعت کامل بوده است. امتناع از همسری با سلطان مصر، توجه دائمی نسبت بعائله خود، قنوذ و تأثیر عظیمی که در اخلاق فرزندانش داشته است هر یک دلیل قاطع این مدعاست.

۳- کورنلی دارای آداب و اخلاق عالیه بوده و مخصوصاً در حسن محاوره ید طولائی داشته است زیرا یکزن بیوه گوشه‌نشین بجز باین وسایل نمیتواند کلبه خود را کانون دانشمندان و ادبا نموده و حتی اعزاز و اکرام سلاطین و شاهزادگان را بجانب خویش جلب نماید.

از مقدمات فوق میتوان نتیجه گرفت که بخوبی ممکن است یک زن اهل علم و ادب و فضائل بوده، و در عین حال خانه دار مجرب، مادر آزموده، مصاحب خوب و عضو مفید جامعه باشد. مادری بخودی خود امر خطیری است، که کمتر زنی چنانکه باید از عهده انجام آن می‌آید و بفرموده مفخر شرای ایران «همین یک هنر» برای زنان کافی است (باید گفت که آوردن فرزند بتنهائی هنری نیست، زیرا اگر فقط زائیدن مایه فخر و

مباهات باشد، گربه و رقیش بر انسان مزیت دارند، چو سهلتر و بیشتر تولید مثل میکنند بلکه اصل هنر در پرورش درست و حسن تربیت است که کل هر انسانی نیست و آنکه بخوبی از عهده این امر بر آید الحق سزاوار است که با مردان هنری دم از برابری زند و وجود خود را بر آنها ترجیح و برتری دهد. ولی با وجود این نمیتوان وجود نسوان را منحصر بهمین افاده دانسته، و تصور نمود که خالق عالم این صنف مردم را بشأبه دستگاه فرزند سازی آفریده است، چو دارا بودن این فضیلت مانع داشتن فضایل دیگر نیست، بلکه بر زنان باکیاست لازم است که بر این هنر ضروری سایر هنرها را بیفزایند، یعنی علاوه بر مزیت تربیت که خاص آنهاست از این حیث نیز برتری خود را ثابت نمایند.

در اوان حیات کورنلی مجسمه‌ای بافتخار او برپا نموده و بر آن این عبارت نقش شده بود «ماندر گراکوس‌ها» فوت وی در (۲۳۰) قبل از میلاد بوده.

طهران — سید علی شایگان

یکصد از هندوستان

در جواب سؤالات شش گانه در خصوص ازدواج با دختران ایرانی یا دختران فرنگی که مدیر محترم در شماره هشتم سال دوم مجله فرموده اند عقاید خود را بطور اختصار تقدیم میکنم. در نوشتن امضاء یا حفظ آن مختارند.

۱— از چه نقطه نظر دختران ایرانی را برای ازدواج ترجیح

به دختران فرنگی میدهید؟